

(18)

(من الواح زين المقربين)

بنام دوست بينام

کتابت لدى الوجه حاضر آنچه مسطور مذکور آمد و شنیده شد انشاء الله همیشه ایام بذکر مالک انام مشغول باشید و آنچه سؤال شده بود از آیه منزله در هیکل که بملوک خطاب شد صحیح همانست که نازل شد کلمه ای ترک نشده حرکت قلم اعلى در میادین الواح باطوار مختلفه مشاهده میشود در مقامی مطلب بایجاز نازل این بیان موسوم است بسهل ممتنع و در مقامی جمع ما بین مقامین لذا در سوره ملوک آیات مذکوره باختصار ذکر شده و این افسح است اذا قيل باى جرم حبسوه قالوا انهم ارادوا ان يجددوا الدين که معنی آن اینست اگر گفته شود بچه جرم و عصیان نیز امکان را حبس نموده‌اید گویند این قوم اراده نموده‌اند که دین را تجدید نمایند از مصدر اعلى جواب نازل اگر قدیم را اختیار نموده‌اید و اوست پسندیده نزد شما چرا شرایع قبل را ترک نمودید در اول این آیه قل مقدر است که چنین میشود قل لو كان القديم هو المختار الى آخر و چون از بیان رحمن معنی قل مفهوم میشود لذا ذکر نشد و این مقام ظهور کمال فصاحتست باری این آیه ترک نداشته و صحیحست و آنچه در آیه آخری مذکور داشتید قوله تعالى اطلع من افق الانقطاع بوده و اینکه از آیه منزله در لوح پاپا سؤال نمودید این عبارات تلویحات کلمات اینست که ذکر شده در مقامی میفرماید و اقول لکم ان کثیرین سیأتون من المشارق و المغرب و یتکئون مع ابراهيم و اسحق و یعقوب فی ملکوت السموات و اما بنو الملکوت فیطرحون الى الظلمة الخارجية هناک یکون البکاء و صریر الاسنان و در مقام دیگر مذکور ان النور قد جاء الى العالم و احب الناس الظلمة اکثر من النور لان اعمالهم كانت شريرة لان کل من يعمل السيئات بیغض النور و لا یأتی الى النور لئلا توبخ اعماله و اما من یفعل الحق فیقبل الى النور لکی تظهر اعماله انها بالله معمولة انتهى

از دو فقره مذکوره تلویح بیان مالک اسماء در آیه منزله معلوم میشود بعضی بیانات در بعضی از الواح راجعت بکتب قبل و ما سطر فیها در این ایام مخصوص از برای ملت زردشت الواحی نازل و آنچه در کتب ایشان تا امروز مستور بود مذکور آمد و لکن تا ما عندهم معلوم نشود احدی بر تلویحات کلمات منزل آیات مطلع نخواهد شد

و اما ما سئلت من الارواح و اطلاع بعضها على بعض بعد صعودها فاعلم ان اهل البهء الذين استقروا على السفينة الحمراء اولئك يعاشرون و یوانسون و یجالسون و یطیرون و یقصدون و یصعدون کانهم نفس واحدة الا انهم هم المطلعون و هم الناظرون و هم العارفون كذلك قضی الامر من لدن علیم حکیم اهل بها که در سفینه الهیه ساکنند کل از احوال یکدیگر مطلع و با هم

مأنوس و مصاحب و معاشر این مقام منوط بایقان و اعمال نفوس است نفوسیکه در یکدرجه واقفند مطلعند از کمیات و کیفیات و درائج و مقامات یکدیگر و نفوسیکه در تحت این نفوس واقفند کما هو حقه بر مراتب و مقامات نفوس عالیه از خود اطلاع نیابند لکل نصیب عند ربک طوبی لنفس توجه الی الله و استقام فی حبه الی ان طار روحه الی الله الملك المقندر الغفور الرحیم و اما ارواح کفار لعمری حین الاحتضار یعرفون ما فات عنهم و ینوحون و یتضرعون و كذلك بعد خروج ارواحهم من ابدانهم این بسی معلوم و واضحست که کل بعد از موت مطلع بافعال و اعمال خود خواهند شد قسم بأفتاب افق اقتدار که اهل حق را در آن حین فرحی دست دهد که ذکر آن ممکن نه و همچنین اصحاب ضلال را خوف و اضطراب و وحشتی رو نماید که فوق آن متصور نه نیکوست حال نفسیکه رحیق لطیف باقی ایمانرا از ید عنایت و الطاف مالک ادیان گرفت و آشامید چون از قبل و عده جواب شد لذا این مختصر در حینیکه ضوضاء مفترین مرتفعست و صیاح غافلین صوت و صیت رعد را منع نموده نازل و ارسال شد الیوم باید احبای الهی ناظر بظهور و ما یظهر منه باشند بعضی روایات قبلیه اصلی نداشته و ندارد و آنچه هم ملل قبل ادراک کرده اند و در کتب ذکر نموده اند اکثر آن بهوای نفس بوده چنانچه مشاهده نموده اید که آنچه در دست ناس موجود است از معانی و تأویلات کلمات الهیه اکثری بغیر حق بوده چنانچه بعد از خرق حجاب بعضی معلوم و واضح شد و تصدیق نمودند که کلمه ای از کلمات الهیه را ادراک ننموده بودند مقصود آنکه اگر احبای الهی قلب و سمع را از آنچه از قبل شنیده اند طاهر نمایند و بتمام توجه بمطلع امر و ما ظهر من عنده ناظر شوند عند الله احب بوده مع این بلایای وارده و قضایای نازله قلم اعلی دوست نداشته و ندارد الا ما ینطق بالحق انه لا اله الا انا المهیمن القیوم چه که نفحه اینکلمه مانع است از ورود احزان و لکن اگر بتأویلات کلمات قبل مشغول شود معین بر احزان خواهد بود تا بعد خدا چه خواهد و وقت چه اقتضا نماید حال باینقدر اکتفا رفت احمد و کن من الشاکرین کبر من قبلی احبائی الذین اختصهم الله لحبه و جعلهم من الفائزین و الحمد لله رب العالمین